219514 ـ چرا اسلام فرمان می‌دهد به کفار نیکی کنید و از پیش‌سلام بودن نسبت به آنها منع می‌کند؟

سوال

رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ از اینکه نسبت به کفار پیش‌سلام باشیم نهی نموده است؛ و می‌دانید که در بسیاری از شرکت‌هایی که در کشورهای مسلمان وجود دارد، کفار کار می‌کنند و برخی از آنها مدیر مسلمانان هستند. حال چگونه با آنها رفتار کنیم. و چگونه بین این حدیث و بین انتشار اسلام از راه تجارت و اخلاق و برخورد نیکو می‌توان جمع بست؟ امیدواریم ما را راهنمایی بفرمایید که چگونه با آنها رفتار کنیم و چه زمان به نیکی با آنها برخورد کرده و چه زمانی با نیکی برخورد نکنیم و آیا رفتار ما با آنها بستگی به رفتار آنها با ما دارد؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

از ویژگی‌های خوب دین بزرگ ما این است که نیکی را برای تمامی جهانیان آورده است و رحمت را برای تمامی آفریده‌ها نازل کرده است؛ از ما خواسته که برای تمامی بشر، پیام‌آوران سلامتی و عدالت باشیم، جز کسانی که دست‌هایشان به خون مسلمانان و ستم به آنها آلوده است.

الله ـ سبحانه ـ می‌فرماید: لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ [الممتحنة:٨]

"خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد"

و از این راه کارمند مسلمان می‌توند با مدیر یا همکار غیر مسلمانش رفتار کرده و به هر شکلی به آنها خوبی و نیکی و احسان کند.

و اولین چیز: درست انجام دادن کار و اجرای مسؤولیت‌های سپرده شده به او بر اساس راستی و امانت می‌باشد، تا فکر رایج در ذهن بسیاری که گمان می‌کنند غیر مسلمانان همواره در انجام و اجرای درست کارها بهترند، و مسلمانان کم‌کاری و کوتاهی می‌کنند، را از بین ببرد.

اضافه بر این در قرآن و سنت به امانتداری تشویق شده است، هر چند دین شخص متفاوت باشد، چنانکه رسول الله ـ صلی

الله علیه وسلم ـ فرموده: "امانت را به آنکه تو را امین شمرده ادا کن و به کسی که به تو خیانت کرده، خیانت مکن". ابوداود(۳۵۳۴) و شیخ آلبانی این حدیث را در کتاب صحیح سنن ابوداود صحیح دانسته است.

یکی از صورت‌های نیکی به آنها: خوش آمدگویی با هر سخنی که برای آنها نیک می‌باشد،است؛ مانند صبح بخیر یا شب بخیر، احوال‌پرسی و پرسیدن حال خانواده و فرزندان، درخواست موفقیت و خوشبختی و خوبی برای آنها، ستودن صفت‌های نیکی که در آن شخص کافر وجود دارد و چنین سخنان زیبایی.

نباید گمان کنی که منع از پیش‌سلام بودن یعنی حرام بودن خوش آمد گویی با صیغه‌های دیگر؛ زیرا سلام، نامی از نام‌های الله متعال است و از نظر دینی دارای ویژگی‌هایی است که اقتضا می کند فقط میان مسلمانان آغاز شود، اما کلمات دیگری غیر از سلام مانند: خوش آمدی، صبح خوبی داشته باشی، روز بخیر، با کلمه‌ی السلام علیکم قیاس گرفته نمی‌شود.

در کتاب المجموع (۴/۴۸۷) تألیف امام نووی آمده: "اینکه بگوید: خدا هدایتت کند، یا صبح خوبی داشته باشی، چنین چیزهایی اشکالی ندارد اگر برای دور کردن شر او یا مانند آن نیاز به خوش آمد گویی داشته باشد. پس می‌گوید: الله صبح تو را نیکو کند، یا همراه با خوشبختی یا عافیت یا شادمانی کند، و مانند آنها ..".

در فتوای انجمن دائمی فتوی ـ مجموعه‌ی اول (۳/۴۳۴) آمده: «جایز نیست نسبت به کافر پیش سلام شد؛ زیرا از طریق حدیثی که ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ روایت کرده ثابت است که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: "پیش‌سلام یهود و نصاری نشوید و هنگامی که یکی از شما آنها را در راه ملاقات کرد وی را به قسمت تنگ‌تر براندصحیح مسلم". و در حدیث انس ـ رضی الله عنه ـ آمده که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمود: "هنگامی که اهل کتاب بر شما سلام کردند بگویید و برشما". (بخاری و مسلم). پس آنگونه که در حدیث آمده باید به آنها پاسخ گفت یعنی گفته شود: وعلیکم (بر شما همچنین).

و اشکالی ندارد که به کافر در ابتدا بگویی: حالت چطور است، شب چگونه گذشت، صبحت چگونه گذشت، و مانند آن اگر نیاز بود، و همه‌ی اهل علم و از جمله‌ی آنها ابوالعباس شیخ الإسلام ابن تیمیه ـ رحمه الله ـ این کار را جایز دانسته‌اند».

و شیخ ابن عثیمین ـ رحمه الله ـ گفته است: «برخی از علما می‌گویند: اگر گفتی: صبح بخیر یا خوش آمدی فلانی، این سخن، سلام نیست؛ زیرا رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرموده : "سلام را بر آنها آغاز نکنید" و سلام دعا است بر خلاف خوش‌آمدی،از دیدنت خوشحالم، زیرا این خوش‌آمدگویی است و سلام نیست» (لقاء باب المفتوح)

پس فهمیده می‌شود که تعارضی بین عدم پیش‌سلام بودن و بین اخلاق مسلمانان که به وسیله‌ی آن اسلام را در زمین منتشر نمودند وجود ندارد.

از جمله صورت‌های نیکی به آنها: شرکت در شادی‌ها و غم‌های دنیوی آنهاست، اما باید از شرکت در جشن‌های دینی آنها که به شکل عید برگزار می‌شود پرهیز کنی، ولی شرکت در چیزهای دیگر و ملاقات و ارتباط با آنها برای تبریک یا تسلیت، مانند

موفقیت‌هایشان یا بازگشت از سفر یا بهبود بیماری یا وفات خویشاوندان یا عزیزانشان، اشکالی ندارد و چنین ارتباطهایی بدون شک در دل آنها اثر گذاشته و جنبه‌های انسانی و رحمت دین عزیزمان برای آنها ثابت شده و در دعوت آنها به اسلام غنیمت شمرده می‌شود.

امام بخاری (۱۳۵۶) از انس بن مالک ـ رضی الله عنه ـ روایت کرده : نوجوانی یهودی که خدمتکار پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ بود، بیمار شد. پس پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ به عیادت او رفته و کنار سرش نشسته و فرمود: اسلام آور، نوجوان به پدرش که کنار سرش نشسته بود نگاهی کرد، پدرش گفت: از ابا القاسم ـ صلی الله علیه وسلم ـ اطاعت کن، پس (آن نوجوان) مسلمان شد و پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ بیرون آمده در حالی که فرمود:"ستایش خداوندی را سزدکه او را از آتش نجات داد".

از جمله نیکی به آنها دوری از اخلاق بدی است که فراوان میان کارمندان یک شرکت دیده می‌شود و باید تلاش کند که از نظر اخلاقی نمونه باشد، همان اخلاقی که باید مردم را با آن به سوی دین دعوت نموده و رهنمون سازد و سبب فتنه و آزمایش برای دیگری نشود که بگویند: اسلام همین است و اهلش اینچنین هستند.

از اشکال رفتار نیکو: دادن جایگاه مناسب به آنها و ارج نهادن به جایگاه آنها در کارشان یا در میان قومشان است، به این صورت که اگر مدیر باشد با لقب کاری مناسب مورد خطاب قرار گیرد و همکاران نیز به همین صورت، زیرا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در نامه‌اش به هرقل او را بزرگ روم نامید. صحیح بخاری(۷) و صحیح مسلم(۱۷۷۳).

از جمله رفتار نیک با آنها: پذیرفتن وساطت اهل خیر و نیکوکارانشان و آنها که دارای جایگاه هستند، در صورتی که آسیبی به کسی نرساند، زیرا وساطت غیر مسلمان جایز است، به ویژه اگر در میان قومش دارای جایگاه و منزلت باشد، و چه بسا همین سبب مسلمان شدن او یا قومش شود. رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ درباره‌ی اسیران و کشته‌شدگان غزوه‌ی بدر فرمود: "اگر مطعم بن عدی زنده بود، سپس درباره‌ی این بدبوها سخن می‌گفت (وساطت می‌کرد) به خاطر او رهایشان می‌کردمصحیح بخاری" (۳۱۳۹).

زیرا وی هنگامی که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ از طائف بازگشت به او پناه داد و او کسی بود که دستور داد قرارداد محاصره‌ی بنی‌هاشم پاره شود.

همچنین رد و بدل شدن هدیه میان مسلمان و کافر؛ زیرا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ هدیه‌هایی که از سوی پادشاهان عرب و عجم برای وی فرستاده می‌شد را می‌پذیرفت و لباسش را بر عبدالله بن ابی بن سلول پوشانده و هنگامی که مرد او را در آن کفن کرد؛ زیرا او عباس بن عبدالمطلب که در غزوه‌ی بدر اسیر شده و عریان بود را لباس پوشاند، و پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ کار او را تلافی نمود.

عمر بن خطاب ـ رضی الله عنه ـ نیز به برادر مشرکش در مکه، جامه‌ای که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ به وی هدیه داده بود را هدیه داد.

یکی از بزرگ‌ترین خوبی نسبت به آنها: گذشت از آنها است هنگامی که اشتباه یا بد کردند، تا زمانی که کارشان سبب اهانت یا خواری شخص مسلمان نشود بلکه نشانگر بزرگواری و احسان وی باشد، همانگونه که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ از آزار و اذیت مشرکان درگذشت و نسبت به آنها بسیار شکیبایی نمود سپس الله او را بر آنها چیره ساخت و مکه را برایش فتح نمود ولی هرگز به خاطر خودش انتقام نگرفت. درود و سلام الله بر وی باد.

امام قرافی ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «فرمان به نیکوکاری با آنها، بدون داشتن محبت درونی شامل: نرمی با ضعیفانشان و کمک به مستمندانشان، و غذا دادن به گرسنگانشان و پوشاندن بی‌لباسانشان و به گفتن سخن نرم با آنها بر اساس لطف و مهربانی به آنها نه از روی ترس و ذلت، همچنین تحمل آزار و اذیت همسایگی آنها با وجود توانایی رفع آن بر اساس لطفی که به آنها می‌کنیم، نه به خاطر ترس و بزرگداشت آنها؛ و دعای هدایت برای آنها و اینکه از اهل سعادت شوند، و دلسوزی برای آنها در تمامی امور دینی و دنیوی آنها و دفاع از شخصیتشان هنگامی که یکی از آنان در معرض آزار و اذیت قرار گرفت و محافظت از اموال و خانواده و ناموس و تمامی حقوق و منافع آنها، و اینکه در رفع ستم آنها را یاری نموده و آنها را به حقوقشان برساند و هر نیکی که از سوی بالادست به پایین‌دست انجام می‌شود یا از نوع نیکی‌هایی که دشمن به دشمن می‌کند، انجام دهد زیرا این از جمله اخلاق والا است.

بنابراین تمام رفتار ما با آنان، شایسته است که از این نوع باشد نه از روی عزت و جبروت از سوی ما و نه از روی بزرگداشت‌شان و خوار شدن در برابر آنها» الفروق (۳/۱۵)

در فتوای "انجمن دائمی فتوی ـ مجموعه‌ی اول" (۲/۹۴) آمده است:

«بهترین روش در برخورد با مسلمانان اهل ذمه (پیمان): وفا کردن به پیمان با آنها است، به خاطر احادیث و آیاتی که به وفای عهد و نیکی به آنها و رفتار بر اساس عدالت با آنان فرمانداده است. خداوند ـ متعال ـ فرموده: لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ [الممتحنة:۸]

"خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد."

همچنین سخن نرم گفتن به آنها و احسان به صورت عمومی نسبت به آنها جز در مواردی که شرع از آن منع کرده است مانند آغاز نمودن سلام و به ازدواج در آوردن دختر مسلمان با آنها و ارث بردنشان از مسلمان و مانند آن که در نص از آن منع شده است؛ و برای فهم جزئیات بیشتر می‌توانید به کتاب "أحكام أهل الذمة" تألیف ابن قیم جوزیة ـ رحمه الله ـ و سخن

دیگر اهل علم در این موضوع، مراجعه کنید».